

## معراج پیامبر اعظم ﷺ

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی فرشاد یزدی \*

### اشاره

یکی از رخدادهای صدر اسلام، معراج رسول خدا ﷺ است. اگرچه درباره زمان وقوع معراج اختلاف است، بعضی از مورخان اسلامی معتقدند این رخداد شب بیست و هفتم ماه رجب سال دهم بعثت رخ داده است؛ گروهی نیز قائل اند شب هفدهم ماه مبارک رمضان سال دوازدهم بعثت و عده ای هم در اوایل بعثت ذکر کرده اند؛ با این وجود بر اساس آیات قرآن کریم و روایات معتبر، وقوع آن قطعی است. کسانی که قرآن را قبول دارند، هیچ جای شبهه ای برای آنها نمی ماند که این حادثه فرهنگی، تربیتی، اخلاقی به یقین در خارج واقع شده است. در این نوشتار به اهمیت معراج در قرآن و روایات و... اشاره می شود.

### معراج در قرآن و روایات

درباره اهمیت معراج و اهمیت اعتقاد به آن، آیات و روایات مهمی در آموزه های دینی وارد شده است. در قرآن کریم درباره حادثه مهم معراج می خوانیم: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»<sup>۱</sup> پاک و منزّه است خدایی که بنده اش را در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را پربرکت ساخته ایم برد تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چراکه او شنوا و بیناست».

همچنین آیاتی از سوره مبارکه «نجم» به مسئله معراج اشاره دارد: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى \* فَكَانَ

\* مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى: <sup>۱</sup> سپس نزدیک‌تر و نزدیک‌تر شد تا آنکه فاصله او (با پیامبر) به اندازه فاصله دو کمان یا کمتر بود؛ «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى \* لَقَدْ رَأَى مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى: <sup>۲</sup> چشم او [پیامبر] هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد [آنچه دید واقعیت بود]. او پاره‌ای از آیات و نشانه‌های بزرگ پروردگارش را دید».

روایات بسیاری نیز در زمینه معراج نقل شده است که بسیاری از عالمان اسلام، تواتر یا شهرت آن را تصدیق کرده‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَتَكَرَّ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ، فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا: الْمِعْرَاجُ وَالْمَسْأَلَةُ فِي الْقَبْرِ، وَالشَّفَاعَةُ: <sup>۳</sup> هر کسی این سه چیز را انکار کند، شیعه ما نیست: معراج و سؤال قبر و شفاعت». همچنین از وجود مقدس امام رضا علیه السلام نقل شده است: «مَنْ أَقَرَّ بِتَوْحِيدِ اللَّهِ ... وَ آمَنَ بِالْمِعْرَاجِ وَالْمَسْأَلَةِ فِي الْقَبْرِ وَالْحَوْضِ وَالشَّفَاعَةِ وَ خَلَقِ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ الصِّرَاطِ وَ الْمِيزَانِ وَ التَّبْعِ وَ النَّشُورِ وَ الْجَزَاءِ وَ الْحِسَابِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ حَقًّا وَ هُوَ مِنْ شِيعَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» <sup>۴</sup>.

افزون بر آیات و روایات، در فرازهایی از دعاها از جمله دعای شریف «ندبه» هم به این حادثه بسیار مهم اشاره شده است: «وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَ عَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ: <sup>۵</sup> و بُرَاق را برایش به کار گرفتی و آن شخصیت بزرگ را به آسمان بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد بود تا سپری شدن آفرینش را به او سپردی».

### معجزه معراج

در رابطه با معراج، این حادثه بی‌بدیل و واقعاً اخلاقی و تربیتی و اعتقادی باید به نکاتی اشاره کرد؛ از جمله اینکه این موضوع به صورت اعجاز و خارق عادت و خارج از مسائل دنیایی و مادی واقع شده است. مگر می‌شود شخصی از مسجدالحرام مکه حرکت کند و به مسجدالاقصی اولین قبله‌گاه مسلمان‌ها و از آنجا به آسمان‌ها برود و آنچه که باید ببیند را ببیند و هنوز شب تمام نشده است، به مکه و مسجدالحرام و نقطه شروع برگردد. مگر چنین چیزی به جز با اعجاز امکان‌پذیر است؟

۱. نجم: ۸-۹.

۲. نجم: ۱۷-۱۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴، ح ۴۴.

۴. همان، ص ۳۱۲.

۵. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

سفر رسمی معراج که در یک شب و مدت کوتاهی انجام گرفت، دست‌کم با توجه شرایط آن زمان از طرق عادی به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نبود و جنبه‌ای اعجاز‌آمیز و کاملاً خارق عادت داشت. فاصله میان مسجدالحرام و بیت‌المقدس که بیش از صد فرسخ است و در شرایط آن زمان می‌بایست روزها و هفته‌ها به طول انجامد، تنها در یک شب رخ داد. آری، چیزی که خدا اراده کرده است همان است: «كُنْ فَيَكُونُ».

\* نود هزار کودک را سر بردند تا موسی دنیا نیاید؛ ولی خدا اراده کرده است که در کنار کاخ او نطفه موسی بسته شود؛ همین‌طور هم شد و موسی در خانه فرعون رشد می‌کند و در نهایت علیه او به مبارزه برمی‌خیزد.

\* مگر می‌شود دختری که خانه شوهر نرفته است، فرزنددار شود؟ بله، وقتی خدا بخواهد، همان می‌شود: «قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»<sup>۱</sup> [مریم] گفت: پروردگارا، چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که انسانی با من تماس نگرفته است؟! فرمود خداوند، این‌گونه هرچه را بخواهد می‌آفریند. هنگامی که چیزی را مقرر دارد [و فرمان هستی آن را صادر کند]، فقط به آن می‌گوید: "موجود باش!" آن نیز به‌سرعت موجود می‌شود.

\* وقتی به زکریا بشارت تولد یحیی را در محراب عبادت می‌دهند، عرض می‌کند: «قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ ۖ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ»<sup>۲</sup> او [زکریا] عرض کرد: پروردگارا، چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده و همسرم نازاست؟! فرمود: بدین‌گونه خداوند هر کاری را بخواهد، انجام می‌دهد. در این آیه می‌فرماید: «چیزی که اراده خدا بر آن تعلق بگیرد، اگر تمام دنیا بر آن و در مقابل آن بایستند، قادر به تغییر نیستند».

\* همهٔ نمرودیان با آوردن هیزم در بیابان و آتش‌زدن، تصور نمی‌کردند که خاکستر ابراهیم هم باقی بماند. با فشار کلید منجنیق و پرت‌شدن حضرت ابراهیم در وسط آتش و ساعت‌ها گذشتن و فروکش کردن شعله‌های آتش، دیدند ابراهیم مثل دستهٔ گل وسط آن آتش‌ها نشسته است. خداوند به آتش‌ها خطاب می‌کند: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»<sup>۳</sup>

۱. آل عمران: ۴۷.

۲. آل عمران: ۴۰.

۳. انبیاء: ۶۹.

[سرانجام او را به آتش افکندند؛ ولی ما] گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش». همه نمرودی‌ان از زنده‌بودن ابراهیم تعجب کردند؛ درحالی‌که هیچ تعجب ندارد؛ چون اراده خداست و اعجاز تحقق یافته است.

### فلسفه معراج

پرسشی که برای همگان مطرح می‌شود این است که فلسفه بردن پیامبر به آسمان‌ها چه بوده است؟ مگر اوضاع و احوال را جبرئیل با وحی بر پیامبر نازل نکرده بود؟ در پاسخ باید گفت سیر شبانه به این دلیل بود که خدا بخشی از آیات عظمت خود را به پیامبر نشان دهد: «لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا». این سیر در آسمان‌ها انجام گرفت تا روح پر عظمت پیامبر صلی الله علیه و آله در پرتو مشاهده آیات ربوبی عظمت بیشتری پیدا کند و آمادگی فزون‌تری برای هدایت انسان‌ها بیابد. پیامبر صلی الله علیه و آله گرچه عظمت خدا را شناخته بود و از عظمت آفرینش او نیز آگاهی داشت، اما به قول معروف «شنیدن کی بود مانند دیدن؟» و چه زیبا نشانش دادند و چه زیبا مشاهده کرد درجات بهشت و درکات جهنم را.

### چگونگی معراج

معراج آیا روحانی بود یا پیامبر با جسم خود به معراج سفر کرده است؟ آیات سوره «نجم» مانند «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى \* لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى»<sup>۱</sup> چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد [آنچه دید واقعیت بود]. او پاره‌ای از آیات و نشانه‌های بزرگ پروردگارش را دید» و آیاتی از این قبیل، نشان می‌دهند که این حادثه با جسم ظاهری و در بیداری اتفاق افتاده است.

فقیه و مفسر بزرگ شیخ طوسی ذیل آیه مورد بحث می‌نویسد: «عالم‌ان شیعه معتقدند خداوند در همان شبی که پیامبرش را از مکه به بیت المقدس برد، او را به سوی آسمان‌ها عروج داد و آیات عظمت خود را در آسمان‌ها به او ارائه فرمود و این در بیداری بود نه در خواب».<sup>۲</sup> مفسر بزرگوار و عالی‌قدر مرحوم طبرسی نیز ذیل این آیات می‌نویسد: «مشهور در اخبار ما این است که خداوند پیامبر را با همین جسم در حال بیداری و حیات به آسمان‌ها برد و بیشتر

۱. نجم: ۱۷-۱۸.

۲. محمد بن حسن طوسی، تفسیر تبیان، ج ۸، ذیل آیه ۱۷ نجم.

مفسران نیز بر همین عقیده‌اند».<sup>۱</sup>

فخر رازی نیز ذیل این آیه می‌گوید: «از نظر حدیث، احادیث معراج از روایات مشهوره است که در کتب صحاح اهل سنت نقل شده و مفاد آنها این است که سیره پیامبر روحی و جسمی از مکه به بیت المقدس و از آنجا به آسمان‌هاست. مشهور میان دانشمندان اسلام اعم از شیعه و سنی این است که این امر در بیداری صورت گرفته و ظاهر "سبحان الذی اسری بعبده"، واژه عبد نیز وقوع این امر را در بیداری گواه می‌دهد».<sup>۲</sup>

محدث شهیر علامه مجلسی در بحار الانوار آورده است: سیر پیامبر اسلام ﷺ از مسجد الحرام به بیت المقدس و از آنجا به آسمان‌ها از جمله مطالبی بود که آیات و احادیث متواتر شیعه و سنی بر آن دلالت دارد و انکار امثال این مسائل یا تأویل و توجیه آن به معراج روحانی یا در حال خواب دیدن و در حال خواب پیامبر، اینها همه ناشی از عدم اطلاع از اخبار ائمه هدی یا ضعف یقین است». سپس می‌افزاید: «اگر بخواهیم اخبار را که در این باره رسیده است، جمع‌آوری کنیم، کتاب بزرگی خواهد شد».<sup>۳</sup>

### مواجهه پیامبر ﷺ با رویدادهای گوناگون

پیامبر اکرم ﷺ در سفر معراج با اموری مواجه شدند که به چند نمونه اشاره می‌شود:

#### الف) قصری در بهشت

«لَمَّا أُسْرِى بى إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ فِيهَا قَصْرًا مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ يَرى بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لُضْيَائِهِ وَنُورِهِ وَفِيهِ قُتُبَانِ مِنْ دُرٍّ وَزَبَرْجَدٍ فَقُلْتُ: يَا جِبْرِئِيلُ! لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ؟ قَالَ: هُوَ لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَآدَمَ الصَّيَّامَ وَاطْعَمَ الطَّعَامَ وَتَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ»؛ رسول خدا ﷺ فرمود: [در شب معراج] که مرا به آسمان بردند، وارد بهشت شدم در آن قصری دیدم از یاقوت سرخ که از روشنی و نورانیت از بیرون داخلش پیدا بود و در آن قصر دو گنبد از دُر و زبرجد وجود داشت. به جبرئیل گفتم این قصر برای کیست؟ جبرئیل گفت: برای کسی که سخن نیکو بگوید و پیوسته روزه بگیرد و اطعام کند و شب را به عبادت و نماز بگذراند، در حالی که مردم در خوابند. [سپس پیامبر در

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۹، ذیل آیه ۱۷ نجم.

۲. محمد بن عمر فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۹، ذیل آیه ۱۷.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، چاپ قدیم، ج ۶، ص ۳۶۸.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۱، ح ۵.

تفسیر این جملات فرمودند: [کلام طیب، گفتن سبحان الله و الحمد لله و الله اکبر است، دوام روزه هم روزه تمام ماه رمضان است و اطعام، طلب روزی برای زن و فرزند است تا محتاج دیگران نباشند و تهجد در شب، آن که نخوابد تا نماز عشا را بخواند].

#### ب) اشتیاق ملائکه عرش الهی به زیارت وجه علی علیه السلام

ابن عباس می گوید شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرمود:

لَمَّا أُسْرِى بِي إِلَى السَّمَاءِ مَا مَرَرْتُ بِمَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا سَأَلُونِي عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ اسْمَ عَلِيٍّ أَشْهَرُ فِي السَّمَاءِ مِنْ اسْمِي فَلَمَّا بَلَغْتُ السَّمَاءَ الرَّابِعَةَ فَتَنَظَرْتُ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ علیه السلام فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ مَا فَعَلَ عَلِيٌّ قُلْتُ يَا حَبِيبِي وَمِنْ أَيْنَ تَعْرِفُ عَلِيًّا؟ قَالَ يَا مُحَمَّدُ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْقًا إِلَّا وَأَنَا أَقْبِضُ رُوحَهُ بِيَدِي مَا خَلَا أَنْتَ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَقْبِضُ أَرْوَاحَكُمْ بِقُدْرَتِهِ فَلَمَّا صِرْتُ تَحْتَ الْعَرْشِ تَنَظَرْتُ إِذَا أَنَا بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَاقِفٌ تَحْتَ عَرْشِ رَبِّي فَقُلْتُ يَا عَلِيُّ سَبَقْتَنِي فَقَالَ لِي جِبْرِيلُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الَّذِي تُكَلِّمُهُ قُلْتُ هَذَا أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ لَيْسَ هَذَا عَلِيًّا بِنَفْسِهِ وَ لَكِنَّهُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى صُورَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَتَنَحَّنُ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ كُلُّهَا اسْتَقْنَا إِلَى وَجْهِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام زُرْنَا هَذَا الْمَلَكَ لِكِرَامَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى وَ نَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِشَيْعَتِهِ<sup>۱</sup>

چون که مرا به آسمان ها سیر شبانه دادند، به هیچ ملکی از ملائکه برخورد نکردم، مگر اینکه از من درباره علی بن ابی طالب علیه السلام می پرسیدند تا جایی که من گمان کردم اسم علی علیه السلام از اسم من مشهورتر است. پس آن گاه که به آسمان چهارم رسیدم، ملک الموت را دیدم که به من گفت: ای محمد، هیچ خلقی از خدا نیست مگر اینکه قبض روحش به دست من می باشد، به جز تو و علی؛ چون خداوند متعال شما را قبض روح خواهد کرد. پس چون به زیر عرش الهی رسیدم، علی را دیدم که در زیر عرش الهی ایستاده بود. گفتم: ای علی از من سبقت گرفتی؟ جبرئیل به من گفت: ای محمد، کیست آن کسی که با او این چنین صحبت می کنی؟ گفتم: این برادرم علی بن

۱. محمد بن احمد ابن شاذان قمی، مائنة منقبة من مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و الأئمة من ولده علیه السلام معروف به فضائل ابن شاذان، ص ۳۳.

ابی طالب رضی الله عنه است. جبرئیل گفت: ای محمد، این علی نیست، بلکه ملکی از ملائکه خداوند متعال است که خداوند متعال آن را به صورت علی رضی الله عنه خلق کرده است. پس ما ملائکه مقرب درگاه الهی هر گاه مشتاق دیدار حضرت علی رضی الله عنه می شویم، این ملک را زیارت می کنیم؛ برای بزرگی و کرامتی است که علی رضی الله عنه در پیشگاه خداوند دارد».

### ج) اهمیت حجاب

علی بن عبدالله الوڑاق از عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام روایت می کند که فرمود: پدرم به واسطه آبای گرامی اش از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرد که فرمود: «دَخَلْتُ أَنَا وَفَاطِمَةُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَوَجَدْتُهُ يَبْكِي بُكَاءً شَدِيدًا، فَقُلْتُ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الَّذِي أَبْكَاكَ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، لَيْلَةٌ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ نِسَاءً مِنْ أُمَّتِي فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ...»<sup>۱</sup> من و فاطمه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدیم؛ دیدم آن حضرت سخت می گرید. عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا، چرا گریه می کنید؟ فرمود: ای علی، شبی که به آسمان برده شدم، زنانی از امت خود را در عذابی سخت دیدم. رسول خدا در ادامه فرمود: زنی را دیدم که به موهایش آویزان شده بود و مغز سرش می جوشید، و .... پس فاطمه علیه السلام به پدرش عرض کرد: ای حبیب من و ای نور دیدگانم، به من بگو که اینان چه کرده بودند و رفتارشان چه بود که به این عقوبت گرفتار شدند؟ رسول خدا فرمود: ای دختر عزیزم، اما آن زنی که به موی سرش معلق در آتش بود، فردی بود که موی سر خود را از نامحرمان نمی پوشانید و ...».

### معراج و مقام عبودیت

عبودیت و بنده حق بودن، راهگشای عروج به آسمانها و رسیدن به مقام قاب قوسین و ادنی است؛ جایی که جبرئیل هم نتوانست پیامبر را همراهی کند و گفت «لَوْ دَنَوْتُ أَنْمَلَةً لَأَخْتَرَفْتُ»<sup>۲</sup> اگر از اینجا به بعد من به اندازه یک بند انگشت نزدیک تر شوم، آتش می گیرم». در آیه نخستین «اسراء» خداوند متعال می فرماید «سَبِّحَانَ اللَّهَ اسْرَى بَعْبِدَهُ» و نمی گوید رسولش را یا نبیش را، بلکه فرمود «عبدی»؛ یعنی انسان اگر بخواهد بالا بیاید و عروج بیابد، باید در مسیر بندگی خدا حرکت کند. مراد از «عبدی» تنها عبادت نیست؛ چون آن مقدمه است برای عبودیت. شیطان شش هزار سال عبادت کرد؛ ولی عبد نشد و به واسطه گناه کبر و غرور از درگاه الهی رانده و رجیم

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۵۱، ح ۶۲.

۲. همان، ص ۳۸۲؛ نجم الدین رازی، مرصاد العباد، ص ۱۲۰ و ۱۲۱، ۱۸۴، ۳۷۸، ۳۸۱.

شد.

ما اگر بخواهیم در دنیا و هم در آخرت آقا باشیم، در جوار معصومان جایی داشته باشیم، در این دنیا که متجر اولیای خداست، باید تلاش کنیم تا با عبادت و مراقبت و توجه به حلال و حرام و انجام واجبات و ترک محرمات به مقام عبودیت برسیم که بالاتر از آن دیگر مقامی نیست.

در آخرین آیه سوره «فجر» می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي: تو ای روح آرام‌یافته، به سوی پروردگار بازگرد، درحالی که هم تواز او خشنودی و هم او از تو خشنود است؛ پس در سلك بندگانم درآی، و در بهشتم وارد شو». «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي» همان مقام عبد و عبودیت است.

نمره قبولی در این دنیا، عبدشدن است. بزرگان، عالمان و اولیای خدا اگر به مقام‌های بالا و بالا رسیدند، بر اثر بندگی و عبودیت در این دنیا بوده است. ما را در این دنیا آورده‌اند تا با عمل به سیره ائمه ارزش پیدا کنیم، نه اینکه به هر قیمتی زندگی کنیم؛ چون بعضی خیال می‌کنند آمدنشان در این دنیا این است که باید به هر قیمتی زندگی کنند؛ درحالی که باید با الگوگرفتن از ذوات مقدسه معصومان عليهم‌السلام، عبد شویم که از همه اینها ارزشش بالاتر است.

### داستان شیخ بافقی

در کتابی که به زندگی مرحوم حاج محمدتقی بافقی، تبعیدی رضاشاه ملعون به شهر ری اختصاص دارد، آمده است:

«ایشان پنج‌سالی که در شهر ری تبعید بودند، شب‌های جمعه ساعت دوازده شب می‌آمدند در صحن بزرگ امامزاده عبدالعظیم حسنی و دعای کمیل می‌خواندند. تاجری آمده بود شهر ری تا معاملاتی را انجام دهد، سری به حرم زد، دید جمعیت فراوانی نشسته است. پرسید چه خبر است؟ گفتند شیخ پیرمردی که تبعیدی رضاشاه است، در اینجا ساعت دوازده دعای کمیل می‌خواند.

تاجر با خودش گفت این شیخ برای خودش دکان باز کرده است. تاجر رفت و کارهای باقی‌مانده را انجام داد و برگشت و در صحن حرم نشست، ناگهان اعلام کردند که شیخ بافقی آمد. شیخ آمد و بالای منبر رفت و شروع کرد به خواندن دعا، از همان فرازهای اول دعا، گریه‌های مردم شروع شد. چند نفر غش کردند و آخر کار دور آن پیرمرد را گرفتند. هجوم آوردند برای دست‌بوسی. این تاجر می‌گوید من هم با مشکلات خودم را به ایشان رساندم، به محض اینکه دست در دست شیخ بافقی گذاشتم، سرشان را بلند کردند و فرمودند ما از کسانی نیستیم

که دکان باز کرده باشیم»<sup>۱</sup>.

این همان نتیجه مراقبت و توجه به حلال و دوری از حرام و در یک جمله عبدشدن است. به بیان دیگر، نتیجه عبودیت و در مسیر بندگی خدا قرارگرفتن است؛ چراکه هر کسی بنده شود، خدا دریچه‌ها را به روی او باز می‌کند.

امیدوارم هم داستان معراج را بخوانیم و هم توجه کنیم و هم هدف آن را در زندگی خود پیاده نماییم که آن بندگی خوب خداست و به مقامات عالی هم در دنیا و هم در آخرت برسیم.

### کتاب‌نامه

#### قرآن کریم

۱. ابن‌شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب و الأئمة من ولده عليه السلام، قم: انصاریان، ۱۴۱۳ ق.
۲. رازی، نجم‌الدین، مرصاد العباد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، [بی‌تا].
۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۴. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم: مکرر، [بی‌تا].
۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ش.
۶. موسوی گرمارودی، سیدعلی، شرح زندگانی حاج شیخ محمدتقی بافقی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸ ش

---

۱. سیدعلی موسوی گرمارودی، شرح زندگانی حاج شیخ محمدتقی بافقی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.